

به نام خدا

قرآن و علم مدرن سازگاری یا عدم سازگاری

نوشته:

دکتر ذاکر نائیک

(بنیاد پژوهش اسلامی)

مترجم:

دکتر میلاد اختراعی

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۷	پیشگفتار
۱۹	چالش قرآن
۲۱	ستار شناسی
۳۱	فیزیک
۳۲	جغرافیا
۳۵	زمین شناسی
۳۷	اقیانوس شناسی
۴۳	زیست شناسی
۴۴	گیاه شناسی
۴۶	جانور شناسی
۵۱	پزشکی
۵۲	فیز یولوژی
۵۴	رویان شناسی
۵۹	تعیین جنسیت
۶۷	علوم عمومی
۶۹	نتیجه

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

ستایش مخصوص ذات بی‌منتهای پروردگاری است که «قرآن عربی» را از پادشاه بن رفیع و منیع «لوح محفوظ» نازل فرمود و آن را تفصیل کلّ شی قرار داد تا جان هدایت و منشأ سعادت باشد، برای هر آن که جویای صلاح و پاکیزگی است به شفای آن راه نیافتند بجز از مطهرّون. آنانکه خداوند اراده فرمود ایشان را از هر رجس و پلیدی نگاه دارد و اینانند که مودتشان اجر رسالت و محبتشان راه سعادت است.

خداوند تبارک و تعالی، خویشین حرامت را حریم قدسی این مصحف شریف را بر عهده گرفت و بانگ «إِنَّا لَهُ لَحَاطِطُونَ» به مثابه حصار و دژ محکمی بود که بر چهار سوی این عطیه ی آسمانی برار شده تا دست های شیطانی تحریف هرگز ساحت این کتاب الهی را به خلل و زلزله نسانند، آنچنان که پیش از این تورات و انجیل و زبور را از صراط مستقیم الهی منحرف ساختند.

پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت پاک و مطهرینش فرموده بودند که ظاهر قرآن را باطن و بلکه بواطنی است، همین اشاره کافی بود تا پرهیزکاران خردمند براق معرفت و دلدادگی زین کنند و سبک بار به سوی سرچشمه‌ی این دریای

خروشان در عرش الهی بتازند تا به مدد نفس زکی و عقل سلیم «بینند آنچه که شنیده بودند». باری خداوند نیز پیایی ایشان را از باده‌های خوش‌گوار معرفت سیراب کرد و به اندرون خانه راهشان داد و به اسرار کتاب محرمشان ساخت. اینان پرهیزکاران صاحب فضیلتند.

صاحبان فضیلت از زیر غبار بی‌خبری عالمان بی‌بصیرت، کاخ بلند و طرفه‌گی‌های افک‌علم اسلام را در نور هدایت قرآن مجید و پیشوایان آن نمودار ساخته است و نشان داده که کشورهای اسلامی بالاخص ایران در اثر تربیت اسلام زادگاه دانشمندی جاوید است که از موطن اشراقی‌شان به جهان نور تابانیده‌اند و تمدن غرب را برالنجش ده‌اند. اقلیم غروب را نوشدارو چشانیده‌اند. تا مطهرن به بطن آن دست یابند. حوال نور این تلاش‌ها و تحقیقات، ظلمات بسیاری از تبلیغات ناروا و خصمه‌هاست که اردو زده‌اند تا سایه‌ی جهل را چون حاسدی مضبوط بر تارک اسلام بیاغکنند. این درحالی است که سالک راه نو با همه‌ی شاطری و راهوری، از «رنا و رسم منزل‌ها» بیخبر است و این امری است بدیهی و طبیعی. از این رو مرفی و تفسیر این ودیعه‌ی الهی برای اهل معرفت واجب است کفایی.

توضیح آنکه در طلوع اسلام، قرآن مجید و سنت پیامبر اکرم (ص)، برنامه زندگانی موقت این جهانی و منهج حیات جاوید مسلمانان، در دسترس همه

قرار داشت؛ اما رفته رفته در طی زمان، عوامل گوناگون مانند اختلاط اقوام مختلف با مسلمانان، و بروز اغراض سیاسی و سوداگری‌ها و چیرگی هوی و هوس‌ها، کج اندیشی‌ها و علاقه‌ی مسلمانان به تطبیق افکار اسلام با گفته‌های برخی فیلسوفان یونان یا پیشوایان ادیان دیگر که غیر الهی بوده‌اند، معارف دین را غلبه‌گانی کرد و به طور کلی سه دیدگاه در مورد معارف اسلام پدید آمد: دسته‌ای دین را قراردادی پنداشتند و ناچار همه‌ی معارف را حسب مبانی اعتباری پذیرفتند. به جای شرح بیشتر آن در این مقال نیست) مثلاً معنای «وَاللَّجُمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» را در چارچوب معانی قراردادی معتبر دانستند و چنین معنی کردند که ستاره و درخت در پیشگاه الهی به سجود در می‌آیند. گروهی به باطن معنی و حقیقت ادیان معتقد گردیدند اما با حقیقت و واقعیت نیز معامله‌ی قراردادی کردند. و جماعتی، این را حقیقت دانستند نه قرارداد و اعتبار، و معتقد شدند که ظاهر معارف اینست: حقایق است، و شرع نقش باطن را به وسیله‌ی ظاهر کلمات در عالم ضمیر و صفحه‌ی دل منعکس ساخته است. این در حالیست که علوم مختلف از دانش‌های کلاسیک گرفته تا دانش‌های نوین (همچون کوانتوم که با هیبتی ساختارشکنانه پدیده‌ی عرصه‌ی شناخت گذاشته است) همگی اسیر محدودیت‌ها هستند و هنوز در

«چگونگی» به سر می‌برند و آنجا نیز که پا به عرصه‌ی «چرایی» گذارده‌اند رد پای ادیان الهی در نتایجشان به چشم می‌خورد.

اسلام حقیقتی است بسیط و تجزیه‌ناپذیر که تصور آن با تصدیقش ملازمه دارد. پس ممکن نیست کسی آن را تصور کند اما نپذیرد. این حقیقت در سازه‌ی تنگ مادی به صورت قرآن کریم نقش بسته و تنزل یافته است. در کتاب پیران رو، راهید دید که قرآن کریم کتابی که موصوف است به کتاب نشانه‌ها، به دانش‌ها، بسیاری اشاره می‌کند که سرفصل‌های آن در فهرست آورده شده است. اما سوال مهم این است که برای باور حقیقت قرآن خواندن آیات آن کافی است؟ این اصلاً مسلم است که نخستین شرط وصول به هر هدف، تسلیم بودن به آن است. تسلیم بودن به منظور، امکان وصول به هدف را ایجاد می‌کند. همچنانکه انکار هدف، حجاب وصول به آن است، زیرا مانع حرکت به سوی آن می‌باشد.

چو مستعد نظر نیستی، وصال مجوی که جام جم، ندهد. رود گاه بی‌بصری اگر تشنه منکر آب باشد برای دست یافتن به آن تلاش نمی‌کند. بارم هرگز لب تر نخواهد کرد. آن کس که به معلم کافر است بی‌فرهنگ و بی‌دانش می‌نشیند، آنکه به جمال و هنر تسلیم نیست بارقه‌ای از آن به دلش نمی‌تابد. پس، اگر انسان از تسلیم بودن به کمال یعنی تسلیم بودن به حق و واقعیت

(که اشارات علمی آن در قرآن در این کتاب شرح داده شده است) چشم ببندد و در سراج‌هی تنگ (من) بنشیند، هرگز از قله‌ی تاریک تن پای بیرون نمی‌گذارد و به کمال دست نمی‌یابد.

چهارمینی اسلام، آفرینش و سیر انسان را از روی هدف می‌داند «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» و نشان می‌دهد که انسان برای وصول به کمالات با سناهی آفریده شده است. جهان در بینش انسان صحنه‌ی بازیگری و بی‌هدفی است، انسان «لعبتکان» و جهان «لعبت‌باز» نمی‌باشد و این مسئله بی‌چون و چرایی که در دایره‌ی کائنات یک نقطه کم و بیش و پس و پیش وجود ندارد. این پیش‌اندازم یعنی هدفمند بودن آفرینش در ساده‌ترین سطح، مفهوم امید را مسکونی کند و امید دانه‌ی خلاقیت می‌کارد، و آنچه که این شجره را در شور جامعی آب می‌نشانند وجود ایمان است که محصول آن، توشه‌ی سالک راه حق خواهد شد. آفرینش این قابلیت و استعداد را به وسیله‌ی گرایش به سوی خواسته‌های بی‌نهایت در آدمی منعکس کرده است تا با آن پر و بال به سوی بی‌نهایت پرواز کند، و آتش دلبسته‌ی در نهادش افروخته است تا با آن محرک به سوی مطلوب‌های نامحدود راهی گردد، اما آیا دانش امروز بشر صرف بررسی پدیده‌ها پاسخگوی این نیاز لایتناهی هست؟ دانشی که در بینش آن انسان (که به اصطلاح ظهور مقام ذات نام دارد) خود

را با «تن» اشتباه می‌گیرد، یعنی «وسیله» را «هدف» می‌انگارد. قرآن کریم همچون کوکب هدایتی راه و روش منزل را برای نوسفران طریقت از خراب آباد دنیای تا نیستان عقبی ترسیم نموده است، تا کلیدی باشد برای رستگاری. اکنون که قریب به چهارده قرن از نزول قرآن می‌گذرد، گذشت زمان نه تنها زنجیر کهنگی و فراموشی به روی آموزه‌های آن ننشاند، بلکه پیشرفت‌های نوین دانش بشری در شاخه‌های مختلف بیش از پیش حقانیت این کتاب و منشأ الهی آن را بر تئوریست‌ها می‌کشانند. در حالیکه ۲۴٪ از جمعیت جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، الهی «علوم جدید و قرآن» در ردیف تحقیقات مهم برای مسلمانان قرار دارد. از این طریق بتوانند در راه ایمان و نیل به حقیقت قدومی بس استوار بردارند. از این رو کتاب پیش روی ترجمه‌ی کتابی از آقای دکتر ذکیر عبدالکریم نعیک (Zakir Abdolkarim, Naik)، محقق و قرآن پژوه هندی، است که به لطف الهی برای اولین بار به زبان فارسی ترجمه شده و به طبع رسیده است.

مترجم از آقای فرشید کیهان تبار، دوست و استاد بزرگوار وی، که در این فحط سال‌های دوستی و یاری در اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی با شکیبایی و انصاف آموخته‌های خود را بی‌دریغ برای آن حقیر در طبق اخلاص نهاده است و همچنین از آقای آرمان امیری دوست و برادر گرمی‌اش که بی‌مدد ایشان نیز

ترجمه‌ی کتاب «قرآن و علوم جدید» به سختی فراهم می‌شد، سپاس گوشت و مزید توفیق را برای ایشان آرزومند است.

بار الها سپاس بیکران تو را، که ما را قبل از هر تقاضایمان امکان وجود بخشیدی، و اولین مخلوق را عقل نهادی تا این گوهر یک دانه، میزانی باشد برای سنجیدن.

و بالله التوفیق و علیه التکلان

فرشید کیهان تبار، میلاد اختراعی

مهرماه ۱۳۹۶